

مهاجرت و گسترش ترکان

در اردیبهشت ۱۸، ۱۳۸۸ 400

یسنده: گلچین چاندارلی اوغلی (G. *andarlıoğlu)

مندرج در نشریه ("Yeni Türkiye" ش ۴۴)

مهاجرت و گسترش ترکان

در دنیای علم شایع است که ترکان قومی چادرنشین بوده اند. در میان اندیشمندان ترک نیز معدودی با این نظر مخالفت میکنند. رادلف (W. Radloff) ترکشناس آلمانی الاصل روسی، بررسی هایی در میان آن عده از جوامع ترک که تحت اداره روسها مانده و فرهنگ خود را از دست داده اند، انجام داده و نظراتی درخصوص تاریخ عمومی ترک ابراز داشته است که تا امروز پژوهشگران غربی را بسیار تحت تأثیر قرار داده است.

رادلف ساختار اجتماعی و اداری ملت ترک را به شکل: «خانواده فراخ - مالکیت مشترک - اربابی که بدون انتخاب سرکار آمده - حکومت زورگو - سلطه طبقه ممتاز - رژیم فاقد اصول حقوقی» تعریف کرده است.

کسانی که با ویژگیهای فرهنگ ملی ترک به خوبی آشنا هستند، نظرات رادلف را بی اساس میدانند.

افلاطون فیلسوف یونان قدیم از نخستین کسانی است که به اظهار نظر درخصوص چادرنشینی دست زده است؛ وی مگوید که چادرنشینان جوامع ابتدایی بودند و از طریق کشاورزی قدم در صحنه تمدن گذارده اند.

شرایط منطقه عامل اصلی در آفرینش و پیدایش شکل و طرز زندگی است. کسانی که در کنار شهرها و در مکانهای مناسب با کشاورزی زندگی میکنند، به آسانی با زندگی کشاورزی الفت میابند و آنهایی که در مراکز بزرگ اقامت دارند، به دامداری روی میآورند.

ابن خلدون مورخ و فیلسوف مشهور اسلامی نظرات مشابهی دارد. به نظر او انسانها به دو صورت شهرنشین و چادرنشین ادامه حیات میدهند؛ و به تصور اینکه صحراها و استپها شبیه یکدیگرند، مگوید، ترکان مقیم استپها نیز نمیتوانند متمدن باشند.

به نظر مرسد که این گونه تفکرات، توینبی (Toynbee) اندیشمند و مورخ انگلیسی قرن بیستم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به نظر او «زندگی صحرائنشینان و جوامع مقیم استپها شبیه هم است. صحرائنشینان تاریخ ندارند، تصادفی زندگی میکنند و از قانون و نظام بی خبرند».

ضیاء گوک آلپ به هنگام صحبت از صحرانشینی و تمدن، مگوید که تمدن تنها در مفهوم شهری بودن نیست، احداث یک تشکیلات منظم دولتی از سوی قبایل پراکنده نیز تمدن است.

به نظر استاد ابراهیم قفس اوغلی «ملت ترک بی تاریخ نیست؛ برعکس جامعه ای است که همراه با گذشته درخشان خود، غنای تاریخی دارد. این ملت بقانون نیست، ملتی است که در سایه روح سازماندهی که جزء لاینفک فرهنگش است، دولتهای متعددی برپا کرده و با اجرای موازین حقوقی، ممتاز شده است. بدین سبب ترکان را نمیتوان جمعیت چادرنشین، که معنا و ماهیت مخالفی دارد به حساب آورد».

ویژگی تاریخ ترک

ترکان اعضای ملتی بزرگ هستند که از چهار هزار سال پیش در آسیا، اروپا و افریقا گسترده شده اند و از قدیمترین و پایدارترین اقوام تاریخ جهان به شمار میآیند.

ترکان از سرزمینهای اصلی خود در آسیای میانه به صورت پیوسته به مهاجرتها دست زده اند و از این جا استنباط میشود که جمعیت انبوهی داشته اند. کثرت جمعیت و ادامه زندگی پرتحرک، سبب شده است که ترکان نقش های مهمی در تاریخ جهان ایفا کرده اند.

گسترش ترکان

مهاجرت های بزرگ که از ویژگی های جوامع ترک به حساب میآید، جای مهمی در تاریخ دوره قدیم و قرون وسطی اشغال میکند.

ترکان در دوره های قدیم در شمال غربی کوههای آلتای - صایان مزبستند. اجداد اولیه ترکان به عنوان توده های «جنگاور» از سال ۱۷۰۰ پیش از میلاد به بعد، حاکمیت مناطق اطراف را در دست گرفتند. دویست سال بعد کوههای آلتای و تانری را نیز جزو مناطق ترک درآوردند. جوامع هم نژاد از طریق قزاقستان به ماوراءالنهر آمدند و در این منطقه با اقوام مقیم سواحل مدیترانه تماس یافتند؛ در نتیجه ارتباط گروههایی که به سوی غرب مرفتند، با اقوام فین - اوغور تأمین شد.

ترکان در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد در ناحیه وسیعی مزبستند که در شرق با دریاچه بایکال، در غرب با رودخانه اورال (بایبیک)، در جنوب با کوههای تانری و در جنوب غربی با قزاقستان و خوارزم جنوبی هم مرز بود.

توده های عظیم ترکان حدود سالهای ۱۱۰۰ پیش از میلاد به سوی استپ های کان سو Kan-su و اوردوس (Ordos) در شمال غربی چین روی آوردند. هسته جامعه ای را که در منابع چینی به صوت "Hsiungnu" عنوان شده، همین ترکان تشکیل دادند.

در جریان سالهای ۱۰۰۰-۱۳۰۰ پیش از میلاد تعدادی از ترکان در ترکستان دیده شدند. با توجه به اینکه سرامیکهای رنگی که در شمال غربی چین دیده شده اند، منبع و اصالت آسیایی دارند، معلوم میشود که ارتباط میان این دو منطقه از سوی ترکان فراهم شده است.

ترکان که تا سالهای ۷۰۰ پیش از میلاد در آلتای اقامت گزیده بودند، وطن اصلی خود را ترک کردند و با سه مهاجرت در اوردوس (Ordos)، ولگا (Volga) و آسیای شمال غربی جای گرفتند.

تصور میشود که شاخه یاقوت ترکان در این دوره به سیبری مهاجرت کردند و چاووش ها که مدتی با آنان زندگی میکردند، به سوی غرب متوجه گشتند و در جنوب کوههای اورال مستقر شدند.

در جریان قرنهای سوم و چهارم پیش از میلاد یکی از دو توده بزرگ ترک (ترکان غرب) در غرب رودخانه ایرتیش (رتیش) واقع در حوضه دریاچه خزر و دیگری (ترکان شرق) در نقاط مختلف آسیای میانه و شمال غرب چین زندگی میکردند.

به نظر میرسد که نخستین حرکت ترکان در حوالی ایندوس - پنجاب هندوستان، حدود هزاره اول پیش از میلاد رخ داده است.

مهاجرتهاى ترکان در دوره بعد از میلاد

درخصوص مهاجرتهاى ترکان در دوره بعد از میلاد اطلاعات دقیق تاریخی در دست است. این مهاجرتها به ترتیب عبارتند از:

۱ (در اواخر قرن اول و اواسط قرن دوم میلادی، هون ها از منطقه اورهون به استپ های قفقاز جنوبی و ترکستان کوچیدند.

۲ (حدود سال ۲۵۰ میلادی آق هون ها به سوی افغانستان و شمال هندوستان سرازیر شدند.

۳ (در جریان سالهای بعد از ۲۷۵ میلادی هون ها به اروپا آمدند.

۴ (در فاصله سالهای ۴۶۱ تا ۴۶۵ میلادی اوغورها از جنوب غربی سیبری به شمال روسیه رفتند.

۵ (در نیمه دوم قرن پنجم میلادی صابارها از شمال آرال به سوی منطقه قفقاز مهاجرت کردند.

۶ (در اواسط قرن پنجم میلادی آوارها از آسیای میانه به سوی اروپای مرکزی کوچیدند.

۷ (در سالهای متعاقب ۶۶۹ میلادی بلغارها از شمال دریای سیاه به منطقه بالکان و سواحل رودخانه ولگا آمدند.

۸ (پس از سال ۸۳۰ میلادی تعدادی از قبایل ترک همراه با مجارها از شمال قفقاز به اروپای مرکزی سرازیر شدند.

۹ (در سالهای متعاقب ۸۴۰ میلادی اویغورها از منطقه اورهون به آسیای میانه آمدند.

۱۰ (در فاصله قرنهای نهم و یازدهم میلادی پنچک ها، کومان ها (قبچاق) و اوزها که شاخه ای از اغزها بودند به اروپای شرقی و منطقه بالکان آمدند.

۱۱ (در جریان قرن دهم میلادی اغزها در منطقه اورهون به سواحل رودخانه سیحون مهاجرت کردند.

۱۲ (در جریان قرن یازدهم میلادی همان اغزها از طریق ماوراءالنهر به ایران و آناتولی کوچیدند.

انجام مهاجرت ها

حادثه بزرگ تاریخی است که ترکان در طول اعصار و قرون از سرزمین اصلی خود بیرون آمدند و در نقاط مختلف جهان گسترده شدند.

مهاجرت هون ها و اغزها به سبب طی مسافت طولانی و نتایج مهمی که به بار آورده قابل توجه است.

ویژگی مهاجرت ترکان را میتوان در دو نقطه خلاصه کرد:

۱) نخستین ویژگی این مهاجرتها، «فتوحات» بزرگی است که به قصد برپایی وطن صورت میگرفت. این مهاجرتها که هدف معینی داشتند، به ماجراهایی که پایانی ندارد، شبیه نبودند. همه این مهاجرتها از سوی حکمرانان ترک با نظم و ترتیب خاص اداره میشد و بدین سبب با موفقیت همراه بود.

براساس ذهنیت و سنت حکمرانی در میان ترکان قدیم، اعضای خاندان حکمران مقدس شمرده میشدند و مردم وابستگی شدید بدانان داشتند. این ذهنیت سبب شده بود که توده های عظیم ترک برغم شرایط سخت، از خود محافظت کنند.

۲) ترکان از طریق «نفوذ» نیز گسترده شدند. این نفوذ از طریق افراد قبایل و خانواده ها یا جوانانی که در دولتهای بیگانه مشغول خدمت میشدند، تحقق مییافت. ترکان بدین ترتیب در جوامع جدید به توفیقاتی دست یافتند، و حاکمیت در نیروهای نظامی یا حیات سیاسی را به دست آوردند. حتی به طوری که در مصر و هندوستان دیده شد، به احداث دولت نیز دست زدند.

گسترش ترکان از طریق فتوحات یا نفوذ به آسانی حاصل نشد و گاهی به درگیریهای شدید منجر گشت؛ و بیگانگانی که بدین ترتیب با ضربه های سنگین مواجه میشدند، ترکان را دوست نمیداشتند. ترکانی که در استپ ها تربیت یافته بودند، به سبب شرایط جغرافیایی روحی خشن، با اراده و پیکارجو داشتند و در عین حال انسانهای حق دوست، نیک و عادل به شمار میآمدند. این مبارزات عظیم را که در جریان مهاجرت های بزرگ صورت میگرفت، میتوان دلیل اتهاماتی دانست که به غلط به ترکان بسته میشد.

دلایل مهاجرت ترکان

انسانها حتی اقوام خیلی ابتدایی نیز تنها برای تفریح به تغییر جا دست نمیزنند. برای انسانها بسیار مشکل است که برای همیشه از سرزمین خود جدا شوند. بنابراین ضرورتی برای انجام چنین مهاجرتها باید وجود داشته باشد. ترکان نیز برای مهاجرت به سه قاره بزرگ جهان دلایلی داشتند. این دلایل عبارتند از:

۱) منابع تاریخی نخستین دلیل مهاجرت ترکان را نارسائی سرزمین های اصلی از دیدگاه گذران زندگی ضبط کرده اند. خشکسالیهای بزرگ، افزایش جمعیت و کمبود مرتع، مشکلات اقتصادی پیش آورده بود.

طبیعت در استپ‌ها بازدهی نداشت و امکان کشاورزی محدود بود. ترکان زندگی خود را بیشتر از راه دامداری تأمین می‌کردند. برای تأمین مواد مختلف غذایی، پوشاک و سایر احتیاجات، سرزمین‌هایی با اقلیم و طبیعت مساعد لازم بود. در آن روزگاران کشورهای همسایه که جمعیت کمتری داشتند، از این امتیازات برخوردار بودند.

ترکان نه تنها به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند، که به سرزمین‌های دیگر جوامع ترک، که امکانات فراوان اقتصادی و تجاری داشتند نیز روی می‌آوردند. بدین طریق توده‌ای از ترکان، دیگر جامعه ترک را از سرزمینش بلند می‌کرد و به مهاجرت مجبور می‌شد. مهاجرت‌هایی که در طول قرن یازدهم میلادی صورت می‌گرفت، بدین شکل تحقق می‌یافت.

۲) ترکان گاهی با فشارهای شدید خارجی مواجه می‌شدند. آنان ترجیح می‌دادند که به جای قرار گرفتن زیر سلطه دولتی بیگانه و از دست دادن استقلال خود، سرزمین خویش را ترک کنند. این مسأله که برای اقوام شهرنشین خیلی مشکل بود، برای استپ‌نشینان چندانی اشکالی نداشت. مهاجرت‌هایی که در جریان قرن‌های یازدهم میلادی در سایه حملات مغول صورت گرفت، بدین شکل به میان آمد.

۳) دلیل دیگری که سبب شد ترکان در جهات مختلف گسترده شوند، استحکام و سلامت معنویات ترکان است. هر ملت نمی‌تواند روی به افق‌های ناشناخته بگذارد، به خطراتی که هر لحظه می‌تواند اتفاق افتد، آغوش باز کند و به صورت پیوسته در مبارزه مرگ و زندگی قرار گیرد. این سرزندگی و جنبش روحی به شکلی بارز در ترکان دیده می‌شود. این سرزندگی در طول تاریخ با موفقیت‌هایی که کسب می‌کردند، افزایش می‌یافت و هر پیروزی نظامی راه یک هدف سیاسی را باز می‌کرد.

منابع:

۱. W. Radloff, *Das Kutadku Bilik 1*, Petesburg, 1891.
۲. A. Ünlünel, *Eski Yunanda Siyasal Dü*, Ankara, 1968.
۳. Haldun, (Türkçe tercüme), *Mukaddime I*, İstanbul, 1954.
۴. A. Toynbee, *A study of History*, London, 1962.
۵. Ziya Gökalp, *Türk Medeniyeti Tarihi*, İstanbul, 1924.
۶. Kafesoğlu, *Türk Milli Kültürü*, İstanbul, 1977-1999 (19 baskı yapıldı).
۷. B. Gel, *İslamîyetten*, Ankara, 1962.
۸. İ. G. Andarlıoğlu, *Türk Tarihi ve Kültürü*, Kazakistan 1998, Krgzcas, İstanbul, 2001.

*استاد دانشکده ادبیات دانشگاه معمار سنان.